



برنامه ویتنام برای رسیدن به صادرات ۶۰ میلیارد دلاری در بخش پوشاک تا سال ۲۰۲۵ میلادی و مقایسه آماری با ایران

گردآوری و تالیف: مهندس غلامرضا سلامتی

مدیرعامل شرکت بوریا و عضو هیئت مدیره جامعه متخصصین نساجی ایران

نفر دیگر تا سال ۲۰۲۵ است تا جمعیت شاغل در این بخش به نزدیک به ۸ میلیون نفر برسد. این آمار در حالی قابل توجه است که سهم اشتغال کل صنعت ایران در سال ۹۶ مطابق با آمار مرکز آمار ایران هفت میلیون سیصد و چهل و دو هزار نفر می‌باشد.

در ایران بخش خدمات در رتبه اول اشتغال، بخش صنعت در رتبه دوم و کشاورزی در رتبه سوم اشتغالزایی می‌باشند.

۱۰ معاهده از ۱۲ معاهده‌های تجاری ویتنام عملیاتی شده است و تمام معاهده‌ها چهارچوب و تعهدهای محیط زیستی دارند که این کشور را متعهد می‌کند تا علاوه بر افزایش کیفیت

ارزی ایران از محل فروش نفت در سال ۹۵ بر اساس خبر خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم و با بررسی گزارش تفریح بودجه ۶۰ میلیارد دلار است که این ۶۰ میلیارد دلار درآمد ارزی از محل صادرات و عرضه داخلی نفت حاصل شده که ۳۳ میلیارد دلار آن مربوط به صادرات و ۲۵ میلیارد دلار از محل عرضه داخلی نفت خام می‌باشد.

نکته مهم دیگر این است که در حال حاضر بیش از ۴ میلیون نفر در صنعت نساجی و پوشاک ویتنام مشغول به کار می‌باشند که ۴ درصد جمعیت کل این کشور را شکل می‌دهد.

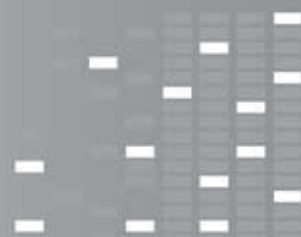
برنامه ویتنام برای استخدام نزدیک به ۳ میلیون

ویتنام امیدوار است تا سال ۲۰۲۵ به صادرات ۶۰ میلیارد دلاری برسد. این امیدواری با تکیه بر معاهده تجارت آزاد و تمرکز بر تولید دوستار محیط زیست حاصل شده است.

ویتنام در سال ۲۰۱۸ توانست به عدد صادراتی قابل توجه ۳۶ میلیارد دلار صادرات پوشاک برسد که این کشور را در رتبه سوم صادرکنندگان پوشاک و منسوجات جهان قرار داد.

هدف گذاری ویتنام برای سال ۲۰۱۹ رسیدن به عدد ۴۰ میلیارد دلاری هست که رشد ۱۱ درصدی که برای هر سال در نظر گرفته شده است را محقق می‌سازد.

این اعداد وقتی مهم هست که توجه کنیم درآمد



به عدد ۱۵,۷۵ میلیارد دلار در این بخش سرمایه‌گذاری کرده‌اند که کره جنوبی با بیش از ۴,۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری دارای رتبه اول و تایوان، هنگ کنگ و ژاپن دارای رتبه‌های بعدی هستند. کره جنوبی و ویتنام در سال ۲۰۱۳ اقدام به امضا توافقنامه در زمینه گسترش فعالیت‌ها و تجارت آزاد نمودند که نتیجه آن در ارقام بالا قابل مشاهده است.

اطمینان سرمایه از روند با ثبات در شرایط کشور، عدم وجود تهدیدهای بین‌المللی و شرایط غیرقابل پیش‌بینی، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت توسط نهادهای مسئول و عملیاتی نمودن همگی این برنامه‌ها سبب شده است که کشور ویتنام در طی کمتر از بیست سال به عنوان یکی از قطب‌های بزرگ صنعت نساجی و پوشاک جهان شناخته شود و برنامه میان‌مدت این کشور نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با صنعتی پویاتر و قوی‌تر آمار اشتغال و درآمدزایی بالاتر از صنعت نفت و با نرخ اشتغال بالا ایجاد نمود.

شرکت ویتنامی به‌منظور استفاده از لیبیل پنبه آمریکا مجوز داده شد تا محصولات با کیفیت پنبه آمریکایی توسط مشتریان خریدار محصولات تولید ویتنام راحت‌تر شناسایی گردند.

نقش دولت ویتنام در جذب و حضور سرمایه‌گذاران خارجی در این کشور پررنگ است به صورتی که با امضا معاهدات تجارت آزاد و در کنار هزینه کارگری پایین توانسته است فرصتی ایجاد نماید تا بخش اعظم سرمایه‌گذاری انجام شده در صنعت نساجی و پوشاک توسط سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و غیر ویتنامی انجام گیرد.

طبق مطالعات انجام شده حقوق کارگران در ویتنام به طور متوسط ۱۴۸ دلار در ماه است که در مقایسه با ایران بسیار بالاتر می‌باشد پس می‌توان نقش پررنگ ثبات و حضور سرمایه‌گذاری خارجی را در این کشور عامل مهم‌تری دانست.

طبق اعلام VITAS بیش از ۲۰۰۰ شرکت خارجی از ۱۶ کشور جهان تا کنون نزدیک

محصولات، فرآیندهای تولید را هم بهبود بخشید. بنابراین سازمان پوشاک و منسوجات ویتنام (VITAS) سه سال گذشته اقدام به تشکیل کمیته‌ای در این زمینه نمود تا فرآیندها و راه‌های عملی را عملیاتی نماید.

بزرگترین واردکننده محصولات نساجی و پوشاک ویتنام کشور آمریکا می‌باشد. ویتنام بیش از ۵۰ درصد تولیدات خود را در این حوزه به کشور آمریکا صادر می‌نماید.

نکته جالب توجه این است که ویتنام پنبه را از آمریکا وارد نموده و پس از فرآوری و تولید، محصولات نساجی به آمریکا صادر می‌نماید. میزان واردات پنبه در مدت ۱۰ سال از عدد ۱۵۰ هزار تن در سال ۲۰۰۵ میلادی به عدد ۱,۲ میلیون تن در سال ۲۰۱۶ رسیده است.

شرکت‌های آمریکایی در سال ۲۰۱۷ به دولت آمریکا توصیه کردند که اقدام به تاسیس یک انبار مرکزی پنبه در ویتنام به منظور دسترسی بهتر شرکت‌های ریسندگی ویتنامی به پنبه نماید تا زمان خرید پنبه کاهش یابد و همچنین به ۱۲

آغاز انقلاب اسلامی، همان سال‌های ۵۷ و ۵۸، اوج صنعت نساجی و پوشاک در کشور بود



مهندس محمد مقدسی

رئیس هیئت مدیره جامعه متخصصین نساجی ایران

از دهه ۷۰ به بعد، صنعت پوشاک و نساجی، با مشکلات بسیار زیادی روبه‌رو شد تا جایی که به باور بسیاری از دست‌اندرکاران، صنعت نساجی و پوشاک به عنوان یک صنعت ورشکسته قلمداد شد.

به گزارش گسترش صنعت، هر چند اینکه به صنعت نساجی کشور بگوئیم ورشکسته، دور از انصاف است زیرا از واقعیت فاصله بسیاری دارد. در همان دهه ۷۰، در دولت اصلاحات، رقمی حدود ۵۰۰ میلیون دلار وام برای نوسازی ماشین‌آلات نساجی داده شد اما، تمام این رقم مورد استفاده نساجی‌ها قرار نگرفت یعنی دولت، ۵۰۰ میلیون دلار را تخصیص داد اما فقط ۳۰۰ تا ۳۵۰ میلیون دلار از آن سوی واحدها استفاده شد. از این رو، با گذشت این همه سال هنوز صنعت نساجی از فرسودگی ماشین‌آلاتی رنج می‌برد که توان تولید را از آنها گرفته است و به نظر می‌رسد این روند ادامه دارد.

در حالی که قبل از سال ۵۷ که صنعت در ایران به گستردگی اکنون نبود، نساجی یکی از صنایع برجسته بود و در آن مقطع ارزش افزوده نساجی در کل صنایع کشور، حدود ۱۸ تا ۱۹ درصد بود. در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، این تعداد از صنایع پتروشیمی و خودروسازی وجود نداشت.

اتفاق دیگر این بود که در سال‌های بعد از جنگ، بیشتر کارخانه‌های نساجی و پوشاک در کشور، مدیریت‌شان دولتی شد و دولتی‌ها اداره این کارخانه‌ها را به دست گرفتند. به همین ترتیب بود که بیشترین دولتی‌شدن در سال‌های بعد از انقلاب در صنعت نساجی کشور اتفاق افتاد.

بنابراین، با تعداد زیادی واحدهای نساجی روبه‌رو شدیم که مدیریت‌شان وابسته به دولت و نهادهای عمومی از جمله بانک‌ها بود. اتفاقاً در همان دوران جنگ بود که توانستیم بیشترین نیاز به پوشاک و نساجی را بدون نیاز به واردات، در داخل تامین کنیم. تقاضاهایی که برای کارخانجات نساجی وجود داشت، باعث شد کارخانه‌ها شبانه‌روز به فکر تامین بازار کشور باشند و یادشان برود که باید به‌روز شوند و ماشین‌آلات‌شان را نوسازی کنند. مجالی هم برای‌شان نمانده بود. در دولت سازندگی، وارد دورانی شدیم که کارخانه‌های جدیدی در همه بخش‌های صنعت ایجاد شد. درها به روی کشور باز شده بود. در همان زمان ما قانونی را آوردیم به نام «بازسازی و نوسازی صنایع» که مشکلات خاص خود را هم داشت؛ به‌واسطه اجرای این قانون در همان مقطع، یک‌سری از کارخانه‌ها بازسازی و نوسازی شدند و اما یک‌سری، به هیچ عنوان برای اینکه مشمول این قانون شوند، توجیه اقتصادی نداشتند؛ آنها که توجیه اقتصادی نداشتند، کوچک‌سازی شدند. در سال‌های بعد، کارخانجات خصوصی، جایگزین آن کارخانجاتی شدند که کوچک‌سازی شده بودند.

در آن مقطع که بازسازی و نوسازی را انجام دادیم، شاید افزون بر ۶۰ درصد تولیدات، مربوط به بخش‌هایی بود که زیر پوشش نهادهای دولتی و عمومی بودند. بعد از بازسازی و نوسازی یعنی اکنون، بیش از ۹۰ درصد تولیدات صنایع نساجی مربوط به بخش خصوصی بوده که جزو یکی از امتیازهای خاص این قانون برای صنعت نساجی کشور است. بعد از قانون بازسازی و نوسازی در

صنعت نساجی، یک قانون «تسهیل نوسازی صنعت نساجی» تدوین شد که در این سال‌ها صنعت نساجی، بازسازی و نوسازی‌های خود را انجام داد.

ادعا نمی‌کنم به ۱۰۰ درصد اهدافمان در این صنعت رسیده‌ایم اما باید توجه داشت فعالیت همین چند کارخانه فعال، نتیجه همان بازسازی و نوسازی است. مهم‌ترین اثری که گذاشت، در صنعت نساجی آرام‌شدن فضای مدیریت دولتی و گسترش حضور بخش خصوصی در این صنعت بود.

در حال حاضر، کارخانه‌ای در صنعت نساجی که بودجه مستقیم دولتی دریافت کند، نداریم. واحدهایی هم که در مدیریت نهادهای عمومی از جمله بانک‌ها بوده، تعداد محدودی بوده و بقیه در دست بخش خصوصی فعال و توانمند هستند. با این حال، صنعت خودرو مورد اقبال دولت بوده در این سال‌ها نیز گسترش یافته است که با وجود اشتغالزایی که دارد نمی‌توان به راحتی از آن گذشت. اما توجه به نساجی، باید در اولویت وزارت صنعت، معدن و تجارت باشد. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت امور اقتصادی و دارایی هم باید به آن توجه کنند.

در نساجی، قاچاق زیاد است ولی خودرو اصلاً قاچاق چمدانی ندارد که همین باعث می‌شود سوددهی صنعت خودرو برای دولت خیلی زیاد باشد اما این سوددهی برای مردم نیست. خواسته فعالان صنعت نساجی این است که وزارت صنعت، معدن و تجارت به همان اندازه خودرو یا بخشی اندکی از این اهمیت را متوجه صنعت نساجی کند اکنون صنعت نساجی در صنعت رده دوم است.

رونق بازار، پیش نیاز رونق تولید

مهندس علیرضا حائری - عضو هیئت مدیره جامعه متخصصین نساجی ایران



مستمر از واحدهای تولیدی صادراتی و تعریف مشوقها و تسهیلات صادراتی می‌تواند کمک مؤثری به رونق تولیدات صادراتی و رونق تجارت خارجی به عمل آورد. اتخاذ تصمیمات هیجانی و اعمال واکنش‌های سریع و نسنجیده به وضعیت بازارهای داخلی با ایجاد محدودیت‌ها و یا ممنوعیت‌های صادراتی برخی کالاها می‌تواند منجر به وارد آمدن خسارات عمده به صادرکنندگان و بازارهای صادراتی آنها شده و منجر به از دست رفتن این بازارها گردد.

حفظ بازارهای صادراتی و حضور مستمر در این قبیل بازارها، با این تصمیمات خلق الساعه منافات داشته و نتایج مثبتی را برای صادرات کالاهای غیر نفتی در پی نخواهد داشت. بهتر است در اینگونه موارد، و به منظور تنظیم بازارهای داخلی، بدون ایجاد هر گونه محدودیت برای صادرکنندگان، نسبت به تأمین کالاهای مورد احتیاج جامعه از طرق دیگر از جمله واردات اقدام نمود تا خللی در روند صادرات و تعهدات صادرکنندگان به خریداران ایجاد نشود. حضور در پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه تجاری با دیگر کشورها و به خصوص همسایگان و همچنین عزم جدی در جهت الحاق به سازمان تجارت جهانی می‌تواند راهکار مناسب دیگری در جهت تعمیق روابط تجاری با دیگر کشورها و کم اثر نمودن اثرات تحریم‌ها ایفا نماید. خلاصه کلام اینکه مسیر رونق اقتصادی از جاده رونق تولید می‌گذرد و می‌بایست در این مسیر همزمان با تلاش جهت رفع موانع تولید، نسبت به تقویت بازارهای داخلی و خارجی نیز همت گمارد و در جهت بهبود فضای کسب و کار در داخل کشور و همچنین بسط و توسعه روابط تجاری در خارج از کشور همت گمارد. رونق تولید، باعث کاهش قیمت تمام شده کالای تولیدی می‌گردد و به طور غیر مستقیم به افزایش قدرت خرید مردم کمک می‌نماید. ایجاد اشتغال پایدار از دیگر ثمرات رونق تولید است.

متأسفانه آمارهای منتشره از وضعیت اقتصادی کشور در ۹ ماهه نخست سال ۱۳۹۷، حاکی از رشد منفی حدود ۴ درصدی در تولید ناخالص داخلی می‌باشد که با کمال تأسف، صنعت با رشد منفی حدود هشت درصدی در رأس کاهش تولید در کشور قرار گرفته است. این بدین معنی است که از حجم کل تولیدات داخلی کشور در ۹ ماهه نخست سال ۹۷ نسبت به مدت مشابه سال قبل در حدود ۴ درصد کاسته شده است و البته در بخش صنعت هشت درصد کاهش تولید را تجربه نموده ایم که اولین اثر آن، افزایش قیمت تمام شده محصولات تولید شده می‌باشد که در کنار کاهش ارزش پول ملی، تورم را دامن زده است؛ لذا، دولت بمنظور تحقق شعار سال جاری و بمنظور رونق بازار همزمان با رونق تولید، می‌بایست در دو بعد داخلی و خارجی اقداماتی را به عمل آورد.

در بعد داخلی راهکارهای مورد نیاز که باید از سوی مسئولان مد نظر قرار بگیرد می‌بایست با هدف‌گیری در جهت افزایش قدرت خرید مردم و تقویت ارزش پول ملی استوار باشد، اتخاذ سیاست‌های انبساطی همزمان با کنترل و هدایت نقدینگی به سمت تولید می‌تواند به افزایش قدرت خرید جامعه کمک نماید.

استقلال هر چه بیشتر بانک مرکزی از سیاست‌های دولت و همچنین نظارت بیشتر این بانک بر عملکرد سایر بانک‌های کشور، به خصوص در زمینه اعطای تسهیلات بدون ضابطه و بدون تضامین کافی و مناسب به دوستان و آشنایان می‌تواند بسترهای مناسبی را در جهت بهبود و رونق اقتصادی و تقویت ارزش پول ملی فراهم آورد. پیگیری مجدانه وصول مطالبات معوق بانک‌ها می‌تواند تأثیر مثبتی بر تأمین نقدینگی مورد نیاز واحدهای صنعتی گذاشته، کاهش قیمت تمام شده را به ارمغان آورده، موجبات رونق تولید را فراهم آورد و نهایتاً ترازنامه بانک‌ها را نیز اصلاح نماید. در بعد خارجی نیز، حمایت

در حالی سال ۱۳۹۸ از سوی مقام معظم رهبری، سال رونق تولید نامگذاری شده است که سایه رکود بر شانه‌های بازار و اقتصاد کشور سنگینی می‌کند؛ این در حالی است که در کنار رکود، تورم نیز در اقتصاد کشور جولان می‌دهد و خطر بروز رکود تورمی، کشور را تهدید می‌کند. رکود حاکم بر بازار که ناشی از کاهش قدرت خرید مردم به دلیل کاهش ارزش پول ملی و همچنین افزایش سرسام آور تورم است، بر روی تولید واحدهای صنعتی و اقتصادی نیز سایه انداخته و امکان بهبود اوضاع اقتصادی را مادامی که ارزش پول ملی تقویت نشود، در هاله‌ای از ابهام فرو برده است.

در چنین شرایطی، رونق تولید می‌تواند راهکاری مؤثر در جهت بهبود شرایط اقتصادی، کاهش قیمت تمام شده محصولات تولیدی و کاهش نرخ تورم بوده و قدرت خرید مردم را تا حدی افزایش دهد؛ اما رونق تولید هنگامی می‌تواند منجر به رونق اقتصادی شود که بازارهای پر رونقی نیز داشته باشیم، به عبارت دیگر پیش شرط رونق تولید، رونق کسب و کار و رونق بازار همزمان با تقویت قدرت خرید مردم است و به نوعی، رونق تولید و رونق بازار، لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

در چنین شرایطی، بر مسئولان اقتصادی دولت و مجلس واجب است که به منظور تحقق شعار سال جاری و در کنار اقداماتی که برای برطرف نمودن موانع تولید بر می‌دارند، نیم نگاهی هم به بهبود شرایط معیشتی مردم داشته باشند و افزایش قدرت خرید مردم را نیز مد نظر داشته باشند تا افزایش تولید در بنگاه‌های اقتصادی، منجر به افزایش فروش و سودآوری آنها هم بشود.

تولید و مصرف پلی استر جهان و ظرفیت‌های تولید پلی استر ایران

مهندس شهرام شاه‌بابایی
عضو هیئت مدیره جامعه
متخصصین نساجی ایران



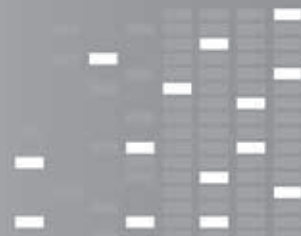
درصد در سال ۲۰۱۰ میلادی بالغ شد. در همین حال تولید در اروپای غربی و آمریکا تنزل یافت. پیش‌بینی می‌شود که نرخ میانگین رشد سالانه تولید نخ‌های یکسره پلی استر تا سال ۲۰۲۵ میلادی ۷٫۲ درصد باشد که محرک اصلی آن چین و پس از آن هند است. هر چند که استفاده از مواد اولیه باز یافت شده در تولید نخ‌های یکسره به اندازه الیاف استیپل نمی‌باشد، اما به رشد سریع خود ادامه خواهد داد.

در مجموع انتظار می‌رود که رشد تولید پلی استر سریع‌تر از هر گونه الیاف سنتتزی دیگر استمرار پیدا کند. با توجه به قیمت‌های بالای مواد خام، سهم الیاف آکریلیک و پلی پروپیلن از تولید جهانی کاسته خواهد شد و با پلی استر جایگزین می‌شوند. تولید الیاف سلولزی به رشد خود ادامه می‌دهد. پلی استر جایگاه پنبه را به عنوان لیف غالب در تولید نساجی اشغال کرد و همچنان قیمت و میزان دسترسی نقش حائز اهمیت اصلی در رقابت بین الیاف ایفا می‌کند. در سال ۲۰۰۶/۷ میلادی قیمت‌های بالای نفت و فراوانی الیاف پنبه، تقاضا برای الیاف مصنوعی را کاهش داد. در نتیجه قیمت‌ها و تقاضا برای پنبه بهتر شد. تقاضا و قیمت‌ها برای هم الیاف پلی استر و هم پنبه از رکود اقتصادی جهانی در سال ۲۰۰۸ میلادی لطمه دید. قیمت‌های بالای پنبه به خصوص از اواسط سال ۲۰۰۹ میلادی منجر به بهبود بازار الیاف مصنوعی شد. افزایش عرضه پنبه و قیمت‌های پایین آن، سرعت رشد تولید الیاف پلی استر را کند می‌کند. قیمت نفت نیز عامل تعیین کننده مهمی در انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید در تولید پلی استر و میزان جایگزینی آن به جای الیاف پنبه است. باز یافت پلی استر منجر به تعدیل قیمت متوسط الیاف آن می‌شود. در سال ۲۰۱۲ میلادی مصرف جهانی الیاف نساجی به ۸۳٫۵ میلیون تن رسید که از این مقدار ۴۳٫۳ میلیون تن مصرف الیاف پلی استر و ۲۶٫۴ میلیون تن مصرف الیاف پنبه بود. در این سال ۶۰ درصد از مصرف الیاف جهانی مربوط به تولید پوشاک می‌باشد. برآوردها حاکی از افزایش مصرف جهانی الیاف نساجی تا مرز ۱۰۰ میلیون تن در سال ۲۰۲۰ میلادی است و رشد جهانی مصرف الیاف تا سال ۲۰۳۰ میلادی عمدتاً از پلی استر (کل الیاف مصنوعی ۷۸ میلیون تن و پلی استر ۶۲ میلیون تن) ناشی خواهد شد. در شرایطی که در سال ۱۹۹۰ میلادی سهم پلی استر ۴۲ درصد از کل الیاف مصنوعی بود، در سال ۲۰۱۲ میلادی به میزان ۷۶ درصد و در سال ۲۰۳۰ میلادی به ۸۰ درصد خواهد رسید. نظر به رقابت تولید پنبه

جمعیت جهان در حال افزایش است و از سوی دیگر مصرف سرانه الیاف مصنوعی همراه با رشد درآمد اقتصادی (تولید ناخالص داخلی) جهان و کشورها، بالا می‌رود. مصرف نهایی الیاف مصنوعی در جهان جهت مصارف لباسی ۴۰ میلیون تن در سال می‌باشد که تا سال ۲۰۳۰ میلادی به ۵۰ میلیون تن خواهد رسید. کاربردهای دیگر شامل منسوجات منزل با مصرف ۲۰ میلیون تن و صنعتی با مصرف در حدود ۱۲ میلیون تن در سال است. در همین حال تولید الیاف پنبه در سطح جهان به حداکثر میزان فیزیکی آن نزدیک می‌شود و در نتیجه برای تامین نیازهای رو به رشد مصرف الیاف، تولید الیاف مصنوعی با نرخ رشد بالایی افزایش پیدا می‌کند. نظر به آسیب‌پذیری بازار الیاف پنبه در رقابت با الیاف پلی استر، تا سال ۲۰۲۰ میلادی میزان تولید الیاف پلی استر ۲٫۵ برابر الیاف پنبه خواهد بود.

نفت خام و گاز طبیعی پس از استخراج در واحدهای پالایشگاهی و فرآوری به نفتا و اتیلن تبدیل می‌شود. نفتا در واحد آروماتیک به پاراکسیلین تبدیل می‌گردد. پس از تهیه اسید ترفتالیک از پاراکسیلین و مونو اتیلن گلیکول از اتیلن، این دو ماده در واحد پلی استر پلیمریزه شده و سپس پلی استر تولید می‌گردد. با توجه به درجه پلیمریزاسیون پلی استر گرید الیاف، رزین پت یا فیلم پت به دست می‌آید. چپیس پلی استر گرید الیاف (نساجی) در مراحل فرآوری (نساجی و پوشاک) قابل تبدیل به منسوجات خانگی و صنعتی، بی‌بافت‌ها، منسوجات خودرو و پوشاک است. تولید جهانی الیاف استیپل پلی استر در دهه اول قرن بیست و یکم میلادی از نرخ میانگین رشد سالانه ۶٫۵ درصد برخوردار بود. چین در عرصه تولید جهانی با سهم ۶۵ درصد پیش‌تاز است که با دیگر کشورهای آسیایی، سهم قاره آسیا به ۹۰ درصد بالغ می‌گردد. در شرایطی که تا سال ۲۰۲۵ میلادی نرخ میانگین رشد سالانه کل الیاف ۴٫۱ درصد خواهد بود، این نرخ برای الیاف استیپل پلی استر ۵٫۴ درصد می‌باشد. استفاده از الیاف پلی استر باز یافت شده در حال رشد است و در بعضی از مناطق تا ۵۰ درصد از کل مصرف پلی استر سهم دارد. قیمت‌های بالای پنبه مصرف کنندگان را تشویق به جایگزینی آن با پلی استر می‌کند که این روند با کاهش قیمت پنبه کند می‌گردد.

تولید جهانی نخ‌های یکسره پلی استر در دهه اول قرن بیست و یکم میلادی دارای نرخ میانگین رشد سالانه ۸٫۲ درصد بود. سهم چین از تولید جهانی این نخ‌ها به ۷۲

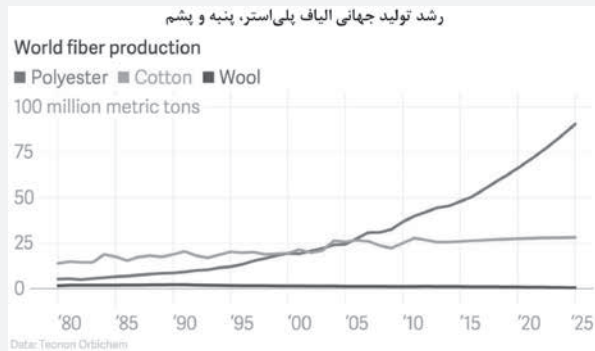
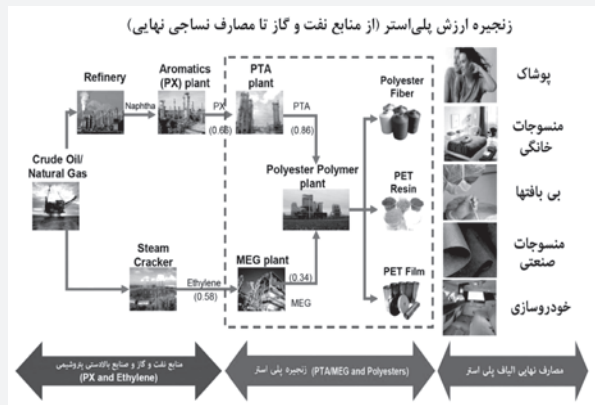
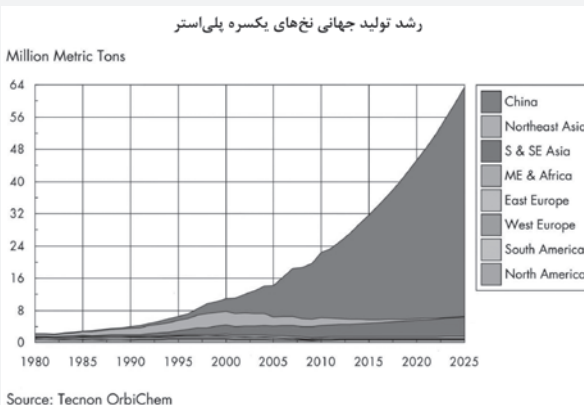
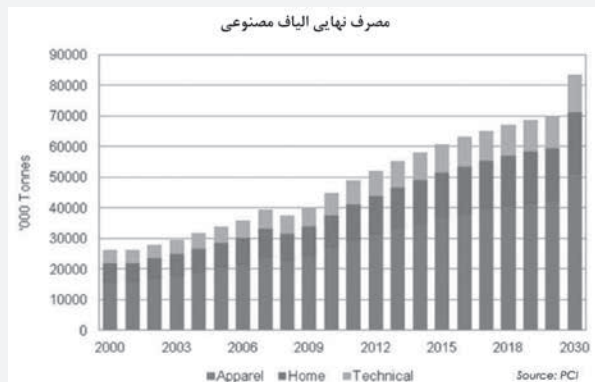
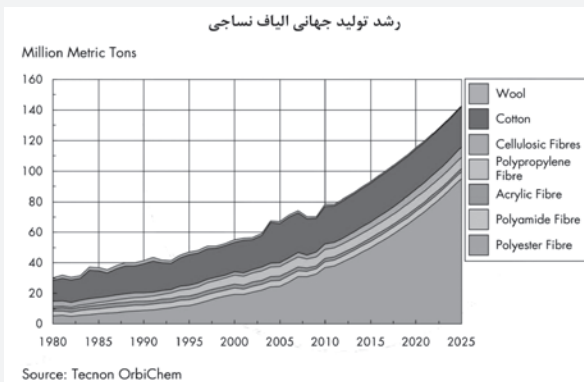


زمینه استان اصفهان دارای بیشترین ظرفیت تولیدی (با سهم ۲۵ درصد از کل) است. پس از اصفهان، استان‌های گیلان، قزوین، مرکزی، خراسان، مازندران و یزد دارای ظرفیت‌های قابل توجه تولید نخ پنبه‌ای و الیاف مصنوعی هستند. کل تعداد واحدهای ریسندگی پنبه‌ای و الیاف مصنوعی کشور (اعم از در حال کار یا تعطیل) ۱۴۰ واحد است که دارای میانگین ظرفیت تولید ۲۵۰۰ تن نخ در سال (در حدود ۸ تن در روز) هستند. کل ظرفیت‌های نصب شده بافندگی پنبه‌ای و الیاف مصنوعی کشور در حدود ۱,۳ میلیارد مترمربع می‌باشد که برآورد می‌شود در حدود نیمی از آن قابل بهره‌برداری باشد. تعداد کارگاه‌ها و کارخانه‌های بافندگی کشور اعم از در حال کار یا تعطیل کشور ۹۶۰ واحد است که دارای میانگین ظرفیت تولید یک میلیون و سیصد هزار متر مربع

با مواد غذایی و رشد مصرف الیاف، سهم پنبه از مصرف کل کاهش خواهد یافت. رشد مصرف نخ‌های یکسره پلی‌استر به مراتب از الیاف استیپل بیشتر خواهد بود. روند رشد مصرف الیاف نساجی نه تنها از رشد جمعیت جهان، بلکه از رشد مصرف سرانه به میزان بیش از ۲ درصد در سال ناشی خواهد شد.

ظرفیت‌های تولید پلی‌استر ایران

مجموع ظرفیت‌های نصب شده ریسندگی پنبه‌ای و الیاف مصنوعی (الیاف کوتاه) کشور در حدود ۳۵۰ هزار تن می‌باشد که در حدود نیمی از آن قابل بهره‌برداری است. تولید نخ پنبه‌ای و الیاف مصنوعی کمتر از ۲۰۰ هزار تن برآورد می‌شود که در این



است. استان‌های مرکزی و اصفهان با به ترتیب سهم ۲۲ و ۲۰ درصد از کل ظرفیت کشور در این زمینه پیشرو هستند. در مجموع چهار استان مرکزی (با سهم ۲۲ درصد از کل ظرفیت‌های تولیدی الیاف و نخ پلی‌استر)، اصفهان (۲۰ درصد)، قزوین (۱۳ درصد) و یزد (۱۲ درصد)، بیش از دو-سوم تولید الیاف و نخ پلی‌استر کشور را بر عهده دارند. ظرفیت‌های تولید نخ استرچ و تکسچرایزینگ کشور بالغ بر ۳۵۰ هزار تن گزارش شده که ۳۰ درصد آن در استان قزوین و ۶۰ درصد آن در سه استان قزوین، اصفهان و تهران نصب است.

از ۵۰۰ هزار تن ظرفیت تولید الیاف استیپل پلی‌استر کشور، بیش از ۴۰ درصد آن در استان مرکزی نصب شده است و استان‌های قم، خراسان رضوی و اصفهان هر یک بین ۱۰ تا ۱۲ درصد و استان یزد فقط ۴ درصد از کل ظرفیت الیاف‌سازی را بر عهده دارند. تعداد پنجاه واحد تولیدی الیاف پلی‌استر با ظرفیت متوسط تولید ۱۱،۴ هزار تن در سال (۳۳ تن در روز) در سطح کشور فعالیت دارند. در مقایسه با بخش ریسندگی پنبه‌ای و الیاف مصنوعی، ظرفیت‌های تولید الیاف مصنوعی از قدمت پایین‌تری برخوردار هستند. ظرفیت تولید نخ یکسره پلی‌استر کشور نزدیک به ۵۰۰ هزار تن می‌باشد که ۳۲ درصد آن در استان اصفهان، ۲۸ درصد در استان قزوین و ۲۲ درصد در استان یزد نصب است. به عبارتی بیش از ۸۰ درصد از ظرفیت‌های تولید نخ یکسره پلی‌استر در این سه استان واقع شده‌اند. تعداد سی واحد تولیدی نخ‌های یکسره با ظرفیت متوسط تولید ۱۶،۵ هزار تن در سطح کشور فعال هستند. هفتاد درصد از تولید این واحدها نخ پی‌او‌وای و سی درصد بقیه نخ اف دی وای است.

(۹۰۰ هزار متر طول) پارچه پنبه‌ای و الیاف مصنوعی در سال هستند. استان‌های یزد (با سهم ۲۷ درصد از کل کشور) و اصفهان (۲۶ درصد از کل کشور) بیش از نیمی از تولید پارچه سیستم پنبه‌ای و الیاف مصنوعی کشور را بر عهده دارند. در شرایطی که ۵۳ درصد از تولید پارچه پنبه‌ای و الیاف مصنوعی کشور در استان‌های یزد و اصفهان انجام می‌شود، ۷۷ درصد از تعداد واحدهای بافندگی در این دو استان مستقر هستند. بنابراین واحدهای بافندگی استان‌های یزد (با میانگین ظرفیت تولید سالانه ۱۰۶۰ هزار متر مربع) و اصفهان (با میانگین ظرفیت تولید سالانه ۸۰۰ هزار متر مربع) دارای ابعاد کوچک‌تری نسبت به دیگر استان‌ها (با میانگین ظرفیت تولید سالانه ۲۷۰۰ هزار متر مربع) می‌باشند.

در گذشته بیش از ۹۰ درصد تولید پارچه پنبه‌ای و الیاف مصنوعی کشور شامل انواع پارچه‌های لباسی و ملحفه (با وزن سبک و متوسط و معمولاً کم‌عرض یا یا عرض متوسط) از الیاف پنبه، پلی‌استر (الیاف استیپل و نخ یکسره) و ویسکوز می‌گردید، اما به تدریج تولید پارچه‌های رومبلی (با وزن سنگین) و پارچه‌های پرده‌ای (عریض) نیز توسعه و گسترش یافت. تولید پارچه‌های رومبلی و پرده‌ای با استفاده از نخ‌های الیاف مصنوعی صورت می‌گیرد که بخش عمده آن (نخ یکسره پلی‌استر) در داخل کشور تولید می‌شود. بیش از نیمی از تولید پارچه رومبلی کشور در استان یزد صورت می‌گیرد که در زمینه تولید پارچه‌های پرده‌ای (تاری-پودی) نیز این استان اولین سهم را دارد. کل ظرفیت‌های تولید الیاف و نخ یکسره مصنوعی پلی‌استر کشور یک میلیون تن در سال می‌باشد که ۵۳ درصد آن شامل الیاف استیپل و ۴۷ درصد شامل نخ یکسره

